

"مهاجران و پناهندگان پیادگان صفحه شطرنج انسانیت نیستند."

پیام پاپ فرانسیس برای روز جهانی مهاجران و پناهندگان
مهاجران و پناهندگان: به سوی جهانی بهتر

خواهران و برادران گرامی

جامعه های ما به شکلی بی سابقه، فرآیند وابستگی و میانگنشی دوسویه را تجربه می کنند. این فرآیندها درحالیکه عناصر منفی و پیچیده کم ندارند، هدفشان بهبود شرایط زندگی خانواده انسانی است، نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه همچنین از نظر سیاسی و فرهنگی. هر فرد بخشی از انسانیت است و با همه خانواده انسانی، در امید آینده ای بهتر را شریک است. این نگرش، الهام بخش زمینه ای شد که من برای روز جهانی مهاجرت و پناهندگی امسال برگزیده بودم: مهاجران و پناهندگان: به سوی جهانی بهتر.

در جهان دگرگون شونده ما، پدیده روینده جابجایی انسانی به گفته پاپ بندیک شانزدهم به عنوان "نشانه زمان ها" رخ می نماید (پیام روز جهانی مهاجران و پناهندگان ۲۰۰۶). همچنان که مهاجرت ها آشکارکننده ناکامی و کوتاهی هایی از سوی دولت ها و جامعه بین المللی اند، همچنین نشانگر اشتیاق انسانی در بهره مندی از یگانگی ای هستند که نشانه اش احترام به تفاوت ها و منش پذیرش و مهمان نوازی است. یگانگی ای که بهره برداری برابر از کالاهای جهان را با نگهداری و پیشبرد جایگاه و مرکزیت هر موجود انسانی شدمی می کند.

از دیدگاه مسیحی، واقعیت مهاجرت مانند دیگر واقعیت های انسانی، تنش میان زیبایی آفرینش، که نشانه اش فیض و رستگاری است، با مضعای گناه است. یگانگی، پذیرش و نشانه های برادری و درک، پهلوی به پهلوی طردکردن، تبعیض، قاچاق و بهره کشی، رنج و مرگ وجود دارند. به ویژه موقعیت هایی که در آنها مهاجرت نه تنها ناخواسته، بلکه از راههای گوناگون قاچاق انسان و بردگی انجام می شود. امروز "کار برده وار" سکه رایج (بازار) است! با وجود سختی ها، خطرهای و دشواری ها هنوز شمار بسیاری از مهاجران و پناهندگان، ملهم از دلگرمی و امید اند؛ در دلهایشان آرزوی آینده ای بهتر دارند، نه تنها برای خودشان بلکه همچنین برای خانواده و نزدیکان شان.

چه چیزی در آفرینش "جهانی بهتر" درگیر است؟ این عبارت از روی سادگی به تصورات انتزاعی و آرمان های دست نیافتنی اشاره نمی کند؛ بلکه هدفش گسترشی راستین و یکپارچه است، تلاشی است برای تدارک شرایط زندگی آبرومند برای همگان، یافتن پاسخ های درخور نیاز فرد و خانواده و تضمین احترام و نگهداری و گسترش موهبت آفرینش خداوند. پل ششم اشتیاق امروز مردم را چنین توصیف کرد: "تأمین سرچشمه خوراک مطمئن، درمان بیماری ها و استخدام پایدار ... برای به کار انداختن مسئولیت های فردی عظیم تر؛ برای بیشتر انجام دادن، بیشتر یادگرفتن، بیشتر داشتن، برای بیشتر بودن".

دلهای ما چیزی "بیشتر" آرزو می کنند. فراتر از دانش و دارایی عظیم تر، آنها می خواهند بیشتر "باشند". گسترش، نمی تواند به تنهایی به رشد اقتصادی، اغلب بدون اندیشه ای برای بنوایان و آسیب پذیران فروکاسته شود. جهانی بهتر، زمانی فراهم می شود که نخست به افراد توجه شود، هنگامی که پیشرفت انسانی یکپارچه باشد؛ با به شمار آوردن تمامی ابعاد فرد، به همراه بُعد روحانی و در صورتی که هیچ کس فراموش نشود؛ از جمله تنگدستان، بیماران، دربندان، نیازمندان و غریبان و زمانی که ما گنجایش پشت سر گذاشتن فرهنگ یک-بار-مصرفی و قبول فرهنگ رویارویی و پذیرش را داشته باشیم.

مهاجران و پناهندگان پیادگان صفحه شطرنج انسانیت نیستند. کودکان و زنان و مردانی هستند که خانه هایشان را به دلایل گوناگون ترک کرده اند یا مجبور به ترک آنجا شده اند مردمانی که آرزوی برحق برای دانستن و داشتن و فراتر از همه برای بودن دارند. شمار خالص مردمی که از قاره ای به قاره دیگر و مهاجرت می کنند یا کشورشان را برای رسیدن به دیگر نواحی جغرافیایی رها می کنند رو به افزایش است. جنبش های اخیر مهاجرتی نشانگر عظیم ترین جنبش -اگر نه مردمی که- فردی در تاریخ است. کلیسا همچنان که مهاجران و پناهندگان را در سفرشان همراهی می کند به جستجوی درک دلایل مهاجرت است اما کلیسا همچنین تلاش می کند تا بر اثرات منفی آن پیروز شده، تأثیرات مثبت آن را بر کشورهای مبدأ، میانه و مقصد مهاجرت بیشتر کند.

همزمان با ترغیب گسترش دنیایی بهتر، نمی توان درباره ننگ تنگدستی در شکل های رنگارنگش خاموش بود. خشونت، بهره کشی، تبعیض، به گوشه راندن، رویکردهای پیشگیرانه به آزادی های بنیادین چه درباره افراد و چه درباره گروهها؛ اینها برخی از عناصر اساسی فقر اند که باید بر آنها پیروز شد. اغلب اینها عناصری هستند که نشان دهنده جنبش های مهاجرتی اند و به این ترتیب مهاجرت را به تنگدستی پیوند می زنند. میلیون ها نفر برای گریز از شرایط تنگدستی شدید یا آزار به امید آینده ای بهتر، یا به سادگی برای نجات زندگی شان، مهاجرت را بر می گزینند. با وجود امیدها و انتظارهایشان، (مهاجران) گذشته از تراژدی ها و بدبختی هایی که به شان انسانی شان آسیب می زند، اغلب با بی اعتمادی، طرد و ممانعت روبرو می شوند.

واقعیت مهاجرت، با ابعاد تازه اش در عصر جهانی‌گری نیازمند رویکرد و روش مدیریتی است تازه، موثر و منصفانه. این بیش از هر چیز نیازمند همکاری بین المللی و روح ژرف یگانگی و دِلرحمی است. همکاری در سطوح گوناگون با تطبیق گسترده سیاست ها و قوانین برای پاسداری و پیشرفت فرد انسانی ضروری است. پاپ بندیکت شانزدهم پارامترهای چنین سیاست هایی را چنین ترسیم کرده است " (این سیاست ها) باید از همکاری نزدیک کشورهای مبدأ و مقصد مهاجران آغاز شوند؛ آنها باید با هنجارهای مناسب بین المللی قادر به هماهنگ کردن نظام های قانونگذار گوناگون باشند و با دیدگاه تأمین نیازها و حقوق مهاجران و خانواده هایشان، و همزمان قوانین کشورهای میزبان همراهی شوند".

کار کردن با یکدیگر برای جهانی بهتر، نیازمند آن است که کشورها، با روحی از خواست و اعتماد بدون ایجاد موانع برناگذشتنی، به یکدیگر کمک کنند. یک همکاری خوب می تواند سرچشمه دلگرمی دولتمردان در مبارزه با ناهماهنگی های اجتماعی-اقتصادی و جهانی شدنی ناهماهنگ باشد که از جمله دلایل جنبش های مهاجرتی اند، جنبش هایی که در آنها افراد (عادی) بیشتر از سبب سازان (مهاجرت) قربانی می شوند. هیچ کشوری دست تنها نمی تواند با دشواری های مربوط به این پدیده کنار بیاید؛ پدیده ای چنان فراگیر که با مهاجرت دوسویه بر هر قاره ای تأثیر می گذارد.

همچنین باید تأکید کنم که چنین همکاری ای با تلاش های هر کشور در آفریدن شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر در خانه آغاز می شود تا مهاجرت تنها راه کسانی که در پی آرامش، عدالت، امنیت و احترام کامل به شأن انسانی شان اند، نباشد. کارآفرینی در اقتصادهای محلی نیز از جدایی خانواده ها پیشگیری کرده و بهره بردن افراد و گروه ها از شرایط پایدار و آرام را تضمین می کند.

در پایان، با در نظر گرفتن موقعیت مهاجران و پناهندگان، به عنصری دیگر در ساختن دنیایی بهتر اشاره می کنم، یعنی به زدودن پیشداوری ها و پیشفرض ها در رویکرد به مهاجرت. پی در پی رسیدن مهاجران و تبعیدیان، پناه جویان و پناهندگان، بدگمانی و عداوت برمی انگیزد. بیم این هست که جامعه نا امن شود، هویت و فرهنگ از دست برود، رقابت بر سر مشاغل سخت تر شود و حتی اینکه بز هکاری افزایش بیابد. رسانه های ارتباطی در این باره مسئولیتی بزرگ دارند: در واقع بر آنها است که کلیشه ها را بشکنند و با گزارش صداقت، درستکاری و نیکی اکثریت، به اندازه اشتباهات اقلیت، اطلاعات درست را ارائه کنند.

دگرگونی نگرش به مهاجران و پناهندگان از سوی همگان نیاز است؛ یعنی گریز از رفتارهای ترس و تدافع، بی تفاوتی و به گوشه راندن- که همه از ویژگی های فرهنگ یکبار مصرف اند- و حرکت به سوی فرهنگی با منش روبرویی، یعنی تنها فرهنگی که می تواند دنیایی بهتر، عادلانه تر و برادرانه تر بسازد. رسانه های ارتباطی، فراخوانده شده اند تا این "دگرپرسی برخوردها" را پذیرا شده، دگرگونی در روش برخورد با مهاجران و پناهندگان را به پیش برند.

من به این می اندیشم که حتی خانواده مقدس ناصره چطور "رَد شدن" را تجربه کرد: "مریم نخستین فرزندش را که پسر بود به دنیا آورد و او را در قنذاقی پیچید و در آخوری خوابانید، زیرا در مهمانسرا جایی برایشان نبود" (لو ۲: ۷). عیسی، مریم و یوسف می دانستند رها کردن میهن و مهاجر شدن یعنی چه؛ آنها از ترس هوس قدرت هرو، مجبور شده بودند بگریزند و در مصر پناه بگیرند (مت ۲: ۱۳-۱۴). اما قلب مادرانه مریم و دل شفیق یوسف، نگهبان خانواده مقدس، در اینکه خداوند همیشه با ایشان خواهد بود، هرگز تردید نکرد. باشد که از راه میانجیگری ایشان، همان قطعیت استوار در قلب هر مهاجر و پناهنده ای خانه کند.

کلیسا در پاسخ به این دستور مسیح که: "بروید و تمامی امته را شاگرد سازید"، فراخوانده شده تا (انجمن) مردمان خداوند باشد که همه مردم را پذیرفته و برای ایشان موعظه انجیل را به همراه آورد، چرا که چهره هر فرد، نشان چهره مسیح را به همراه می آورد! در اینجا ما ژرفترین اساس شأن فرد انسانی را می یابیم، که باید همواره محترم و محفوظ بماند. اینجا دیگر نه معیارهای کارآمد بودن، تولیدگری، طبقه اجتماعی، یا نژاد و مذهب بلکه بیشتر حقیقت آفریده شدن به تصویر و شباهت خود خداوند (پیدا ۱: ۲۶-۲۷) و حتی فراتر، فرزندان خدا بودن است که شأن انسانی را پایه می نهد. هر موجود انسانی فرزند خدا است! او تصویر مسیح را در خود دارد! خود ما نیاز داریم ببینیم و دیگران را نیز واداریم ببینند که مهاجران و پناهندگان، تنها نشان دهنده یک مسأله نیستند که باید حل شود، بلکه برادران و خواهرانی هستند که باید ایشان را پذیرفت و محترم داشت و محبت کرد. آنها فرصتی هستند که مشیت الهی به ما می دهد تا ما را یاری کند؛ در ساختن جامعه ای عادلانه تر، مردم سالاری کامل تر، کشوری یک پارچه تر، دنیایی برادرانه تر و جامعه مژده بر مسیحی بازتر. مهاجرت می تواند امکان های بیشتری برای مژده رسانی نوین فراهم کند، دورنمایی بگشاید برای رشد انسانی نوین که پیشگوی راز رستاخیز باشد: انسانیتی که هر کشور بیگانه برایش خانه ای است و هر خانه ای برایش کشوری بیگانه است.

مهاجران و پناهندگان گرامی! هرگز این امید را از دست ندهید که شما نیز آینده ای مطمئن تر پیش رو خواهید داشت، که در سفرتان با دست یاری روبرو خواهید شد، و اینکه می توانید یگانگی برادرانه و گرمای دوستی را تجربه کنید! من دلگرمی دعاهایم را به همه شما و آنان که زندگی و تلاششان را وقف یاری شما کرده اند، می بخشم و شما را صمیمانه از برکت رسولی ام بهره مند می سازم.

واتیکان

۵ آگوست ۲۰۱۳